

متون حدیثی

الخطبة المؤنقة لأمیر المؤمنین علیه السلام
به روایت علی بن محمد تمیمی سبزواری (قرن ۶ ق)

الإيضاح
قاضی نعمان بن محمد بن حیون مغربی (۳۶۳ ق)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الخطبة المؤنقة لأمير المؤمنين عليه السلام

به روایت علی بن محمد تمیمی سبزواری (قرن ۶ ق)

تحقیق: سید محمد عمادی حائری

درآمد

در یکی از آغازین روزهای مهرماه یک هزار و سیصد و هشتاد شمسی، نگارنده این سطور به چاپی عکسی از نسخه خطی بیاضی کهن (به نگارش درآمده از سال ۷۵۳ ق به بعد) باز خورد^۱. این سفینه - که «جنگ مهدوی» نام گرفته - نسخه‌ای است از کتب خانۀ گرانباز دکتر اصغر مهدوی^۲ - دامت معالیه - که مرکز نشر دانشگاهی که چندی است چاپ عکسی نسخ (نسخه برگردان) را وجهه همت خود ساخته، به نشر آن دست یازیده است. این ناچیز که از خردی دل و دیده در گرو کتاب دارد، بی درنگ به تفحص و تصفح در آن پرداخت و در این میانه دیدگانش به خطبۀ «موتقة» امیر مؤمنان علی علیه السلام به روایت علی بن محمد بن علی تمیمی، روشن گشت. کلامی اعجازگون و بلاغت نمون.

خطبۀ موتقه

آورده‌اند که روزی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به گرد هم نشسته بودند و از

۱. جنگ مهدوی، چاپ عکسی، زیر نظر دکتر نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
۲. مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه در ضمن معرفی نسخه‌های خطی کتاب خانۀ دکتر اصغر مهدوی این نسخه را شناسانیده است. ر.ک: نسخه‌های خطی، ج ۲، ص ۱۳۹ - ۱۴۴.

این سخن می‌رانند که چه حرفی بیش از دیگر حروف در سخن به کار می‌رود؟ پس بر آن اتفاق کردند که حرف «الف» بیش از سایر حروف در گفتار کاربرد دارد. در این هنگام امیر مؤمنان برخاست و به بداهه خطبه‌ای ایراد کرد که در آن «الف» به کار نرفته بود. و همین خطبه است که آن را «موقه» خوانده‌اند.

استاد محمد باقر محمودی، درباره لفظ «موقه» نوشته است:

الموقة: الحسنة المعجبة، من قولهم: «أتق الشيء - من باب علم - أتقا» فهو أتق وأتق وموتق: حسن معجب. وتسمية الخطبة بالموقة ظاهرة؛ لأنها تعجب من سماعها^۱.

قطب الدین راوندی رحمته (م. ۵۷۳ ق) در الخرائج والجرائح می‌گوید:

إن الصحابة اجتمعوا يوماً وقالوا: ليس من حروف المعجم على أكثر دوراناً من الألف.

فنهض علي عليه السلام وخطب على البديهة خطبة طويلة تشتمل على الثناء على الله والصلاة على النبي صلى الله عليه وآله وفيها الوعد والوعيد، والمواعظ والزواجر، وذكر الجنة والنار، والنصيحة للخلق وغير ذلك، وليس فيها ألف واحدة، وهي معروفة^۲.

ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ ق) در شرح نهج البلاغة می‌نویسد:

وأنا الآن أذكر من كلامه الغريب ما لم يُورده أبو عبيد وابن قتيبة في كلامهما وأشرحه أيضاً، وهي خطبة رواها كثير من الناس له عليه السلام خالية من حرف الألف. قالوا: تذاكر قوم من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله: أي حروف الهجاء أدخل في الكلام؟ فأجمعوا على الألف، فقال علي عليه السلام: حمدت من عظمت منته... [الخ]^۳.

محمد بن طلحه شافعی (م. ۶۵۲ ق) پس از نقل این خطبه، چنین می‌گوید:

۱. نهج السعادة، محمد باقر محمودی، ج ۱، ص ۷۸.

۲. الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۷۴۰-۷۴۱.

۳. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۴۰.

فهذه الخطبة أسجلها من علم بيانه المؤتلف، وارتجلها لوقتته عريّة عن الألف، وجعلها عنوان علمه المتنوع وفضله المختلف، تشهد أنّ العناية الربانية مرّت له أخلاف العلوم والآداب، واستخرجت بمخضها له منه زبد الأوطاب، وأنزلت على قلبه ولسانه معرفة الحكمة وفصل الخطاب^١.

همانند این سخنان را،

ابن شهر آشوب مازندرانی (م. ۵۸۸) در مناقب آل أبي طالب^٢،

محمد بن يوسف شافعی (م. ۶۵۸) در کفایة الطالب^٣،

علی بن یوسف بن جبر (م. ق ۷) در نهج الإیمان^٤،

حسن بن ابی الحسن دیلمی (م. ق ۸) در أعلام الدین^٥،

علی بن یونس عاملی (م. ۸۷۷) در الصراط المستقیم^٦،

ابراهیم بن علی کفعمی (م. ۹۰۰) در المصباح^٧،

علی متقی هندی (م. ۹۷۵) در کنز العمال^٨،

و محمد باقر مجلسی (م. ۱۰۷۰) در بحار الأنوار^٩،

با اختلافاتی در اسناد و متن خطبه، آورده‌اند.

روایت علی بن محمد بن علی التمیمی

یکی از کسانی که به روایت خطبه مؤنقه پرداخته، علی بن محمد بن علی تمیمی سبزواری (زنده در ۵۵۳ق) است که این خطبه را به

۱. مطالب السؤل، محمد بن طلحه الشافعی، ص ۲۱۴.

۲. مناقب آل أبي طالب، ج ۲، ص ۵۸.

۳. کفایة الطالب، ص ۳۹۳-۳۹۷.

۴. نهج الإیمان، ص ۲۷۸.

۵. أعلام الدین، ص ۷۲-۷۳.

۶. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۲۲.

۷. المصباح، ص ۷۴۲-۷۴۵.

۸. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۰۸-۲۱۳.

۹. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۶۳، ج ۷۴، ص ۳۴۰-۳۴۳.

واسطه پدر و جدّ خویش، از شیخ صدوق رحمته الله نقل کرده است. در سند این روایت، به دو کس از صاحبان کتاب (عبدالعزیز بن یحیی الجلودی، محمّد بن زکریّا الجوهری) برمی‌خوریم که در شمار مشایخ صدوق‌اند. از این رو شاید این خطبه در کتب آنها بوده است و صدوق نیز آن را از طریق ایشان در کتب خود نقل کرده؛ اما اینک در هیچ یک از کتاب‌های صدوق رحمته الله این خطبه را نمی‌یابیم. باری؛ راویان خطبه موقه بر طبق این سند، بدین قرارند:

۱. علی بن محمّد بن علی التیمی

علی بن محمّد بن علی بن عبدالصّمد تیمی نیشابوری سبزواری، فاضلی جلیل‌القدر^۱ و برخاسته از خاندانی شهره به فقاها و فضیلت است. وی از طریق پدر و جدّ خویش، از شیخ صدوق رحمته الله روایت می‌کند. از آنجا که نسخه‌ای از امالی صدوق رحمته الله را به سال ۵۵۳ق روایت و کتابت کرده^۲، بنابراین تا این سال در قید حیات و از هم روزگاران ضیاء الدّین راوندی (م. ح ۵۷۲ق)، قطب الدین راوندی (م. ۵۷۳ق) و ابن شهر آشوب مازندرانی (م. ۵۸۸ق) بوده است. جز این چیزی دیگر از تاریخ ولادت، رحلت و زندگانی او دانسته نیست. تنها اثری که از وی می‌شناسیم، کتابی در دعا به فارسی، با نام ذخیره الآخرة است.^۳

۱. لقبی است که شیخ حرّ عاملی رحمته الله، بدان او را ستوده است. ر. ک: أمل الأمل، ج ۲، ص ۱۹۸، ۲۰۲.
 ۲. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی، ج ۴، ص ۲۲۲.
 ۳. صاحب این قلم چندی است که تصحیح و تحقیق این گرامی کتاب را به پایان آورده که به خواست خدای در آینده‌ای نزدیک منتشر خواهد شد. وجوه اهمّیت این اثر را در مقدمه کتاب آورده‌ام. لازم به یادآوری است که جناب آقای رسول جعفریان نیز، چپایی از آن ارائه کرده است. (قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵).

۲. محمّد بن علي التميمي

محمّد بن ابوالحسن علی تمیمی، از علمای بزرگی است که از پدر خود روایت می‌کند و از مشایخ، قطب الدین راوندی^۱، ابن شهر آشوب مازندرانی^۲ و عمادالدین طبری^۳ به شمار می‌آید.

۳. علي بن عبدالصّمد التميمي

ابوالحسن علی بن عبدالصّمد تمیمی، از شاگردان شیخ طوسی و خود از مشایخ بزرگ است^۴. منتجب الدین رازی (م. ۵۸۵) از او با عنوان «فقیه دین ثقة» یاد می‌کند^۵.

۴. علي بن الحسين الجوري

وی از مشایخ مشهور و از کسانی است که از صدوق^۶، سماع حدیث کرده‌اند^۶.

۵. محمّد بن علي بن بابويه القمي، الصدوق

محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی (م. ۳۸۱ق)، از بزرگترین مشایخ امامیه است و مشهورتر از آن که در این مختصر بتوان از او سخن راند.

-
۱. ر.ک: قصص الأئمة، قطب راوندی، ص ۳۵، ۴۸، ۱۸۸؛ الخرائج والجرائح، همو، ج ۲، ص ۷۹۵، ج ۳، ص ۱۰۶۲.
 ۲. ر.ک: مناقب آل أبي طالب، محمّد بن علی بن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۳-۳۴.
 ۳. ر.ک: بشارة المصطفى، عماد الدین الطبري، ص ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۳۱ به بعد.
 ۴. النابس في القرن الخامس، آقا بزرگ تهرانی، ص ۱۲۲-۱۲۳.
 ۵. الفهرست، منتجب الدین رازی، ص ۷۶.
 ۶. ر.ک: خاتمة مستدرک الوسائل، حسین النوري الطبرسي، ج ۳، ص ۶۵.

۶. محمد بن ابراهیم بن إسحاق الطالقانی

وی از جمله مشایخ صدوق علیه السلام است.^۱

۷. عبدالعزیز بن یحیی الجلودی

از صاحبان کتاب، و از مشایخ بزرگ. نجاشی (م. ۴۵۰ ق)، بیش از شصت کتاب از وی برمی‌شمارد. از آن جمله است: کتاب مسند امیرالمؤمنین علیه السلام، کتاب رسائل علی علیه السلام، کتاب من روی عنه من الصحابة، کتاب مواظبه علیه السلام، کتاب الدعاء عنه علیه السلام.^۲

۸. محمد بن زکریا بن دینار الغلابی الجوهري

از صاحبان کتاب، و از مشایخ بزرگ. نجاشی، کتاب‌هایی را از او نام برده است. از آن جمله است: الجمل الكبير، کتاب صفین الكبير، مقتل الحسين علیه السلام، کتاب الأجواد، مقتل أميرالمؤمنین علیه السلام. بنا بر گفته نجاشی، وی به سال ۲۹۸ ق درگذشت.^۳

۹. جعفر بن محمد بن عمارة الکندي

عبارت «جعفر بن» در سند متنی که به دست داریم، نیامده است؛ اما کاوش در اسناد احادیث در کتابهای صدوق علیه السلام و نیز دیگران، به نیکی آشکار می‌سازد که این عبارت باید به سند روایت افزوده شود.^۴

۱. ر.ک: خاتمة مستدرک الوسائل، حسین النوری الطبرسی، ج ۵، ص ۴۷۸.

۲. ر.ک: رجال النجاشی، احمد بن علی النجاشی، ص ۲۴۰ - ۲۴۴؛ الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی، ص ۱۹۱.

۳. ر.ک: رجال النجاشی، احمد بن علی النجاشی، ص ۳۴۶ - ۳۴۷.

۴. برای نمونه، ر.ک: التوحید، صدوق، ص ۱۷۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، همو، ص ۵۷۶؛ معانی الأخبار، همو، ص ۹۱؛ علل الشرائع، همو، ص ۹۰.

وی از مشایخ صدوق بوده است، اما دانسته‌های چندانی در مورد او و پدرش به دست نیاورده‌ام.

۱۰. محمد بن عمارة الكندي

۱۱. محمد بن السائب الكلبي

وی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند و در شمار اصحاب امام علیه السلام از وی یاد شده است.^۱

روش تصحیح

نگارنده، نخست، متن «خطبة مؤنقة» را بر پایه آنچه در جنگ مهدوی (ص ۳۱۰ - ۳۱۲) آمده است، ویراست. پس از آن دوست دانشمند جناب ابوالفضل حافظیان مرا به نسخه دیگری از خطبة مؤنقة به روایت تمیمی سبزواری در کتابخانه حضرت عبدالعظیم حسنی رهنمون گشت (نسخه شماره ۱۹۵، تاریخ کتابت: قرن ۱۱، کاتب: نامعلوم، خط: شماره سطرها: ۱۹) این بنده نیز متن خطبة آن نسخه را با آنچه در جنگ مهدوی آمده بود، سنجید و دگرسانی‌های اندک آن را با نشان «ع» در پانوشت یاد کرد.

حاصل این کوشش، متن پیش‌روست که تقدیم حدیث پژوهان و بلاغت جویان می‌گردد.

ليلدا فاعتذب عذابا ويلا فلان سقى ما علمت من الشيخ ابيك وبعني ما اعين من لقاء ابيك وقد جرى
 هذا سنة الهدي ما انقضى ريعها وخلص الازل ما ابتدئ اصيلها كان روح ملك السنة دائم واستقرار يوم الازل
 ملازم اخواني هذه قصتي بطوطها مع اطراح ابوابها وضروها زاجاكم وفضلتم وكيف كان زرعكم انقررت بحيتها
 وثبتت لهوت وشدت اشرؤي بانتظام اوركم وانبؤي بمصلاح شوكم اواجزوني فانابكم ونبوت
 على اصابكم وها انا استمد منكم الهم المنجيه واستمدب الحكم العنه واعنوني بقوة تايده وشرؤي بوعظته ذايده
 خلصنا الله وايكم من فقه الشوب انه غافر الزنبه وقابل التوب له تمت الرسالة بهرانه وبعين توفيقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رُبُّنَا بِخَيْرِهِ

قال علي بن محمد بن ابي الحسن بن محمد بن عبد الصمد العمري ابي بن وارتى حدثنا الشيخ الفقيه العالم ابو القاسم
 حدثنا الشيخ الفقيه ابو الحسن علي بن عبد الصمد بن محمد بن العمري والدي رحمه الله قال حدثنا السيد العالم
 ابو البركات علي بن الحسين الجرجاني قال حدثنا الشيخ ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موري
 بن بابويه القمي يعني امرئته عن محمد بن ابراهيم بن اسحق عن عبد العزيز بن يحيى الجلودي عن محمد بن زكريا
 الجوسري عن محمد بن ثار عن ابيه عن محمد بن السائب عن انصاري عن ابيه عن جده علي بن الحسين بن الحسين
 عن علي بن ابي طالب عليهم السلام قال اجتمع اصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله فتذاكروا النبي الذي اتى الخراف لفضل
 في الكلام فاجمعوا ان الالف اكثر دخولا في الكلام من ساوا حروف فقام ابي الومر بن علي بن ابي طالب عليه السلام
 فخطب هذه الخطبة على المدينته وتمامها المرفقة فقال وي اي ابيجة حدثت من عظمت منته وسبغت انجته
 وسبغت غضبه رحته وتمت كلمته ونفذت مهيبته وبلغت قضيتة حلاية بعد مقربا بروبيته تتخضع لبعوثه
 متصلة من خطبته عزيريه بوجيدك نوبل من امره راجدة تحببه يومئذ تفعل عن عصيلته ونبهه وشتمعه
 ونسره حله فشهد به وتؤمن به وتوكل عليه وشهدت له شهوة فخلص مؤمنين وفردته بغيره مؤمنين
 ووسلته توحيد بعد مذموم ليس شركك في ملكه ولم يكن له ولى ما ضعه جمل عن مشرؤ وزير وعز مؤمن
 عين ونصبت على مشرؤ ويطن نيب وملك فخر وعسى فغفر وحكم بعدل ايزال ولن يزول ليس لك على
 وهو قبل كل شي وبعد كل شي رب متفرد بعزته متمكن بقوة متقدس بجلوه متكبر بسنة ليس يدرك
 بصر ولم يحيط به نظر توحي منبع علم سبغ بعين رؤف رحيم عطوف عجز عن وعده عن نصفه وصل عز
 فعبته من غير فرق فبعده وبعد فخر بجنب دعوة من يدعو ويرزقه ويكفوه ذوا لطف خفي ويطش قوتي

يقول علي بن محمد بن الحسن بن عبد التميمي حدثنا الشيخ الفقيه العالم الوالد اجدنا السيد العالم
ابو البركات علي بن الحسين الجوزي قدس الله سره قال اجدنا الشيخ ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن ابراهيم القمي
عن محمد بن ابراهيم ابراهيم بن عبد العزيز بن يحيى الجلودي عن محمد بن زكريا الجوهري عن محمد بن عمار عن ابيه محمد بن
السائب الصادق عليه السلام عن ابيه عن جده عن علي بن الحسين عن ابي ابراهيم طالب علمهم السلام قال اجمع اصحابنا
رسول الله صلى الله عليه واله فداكروا اي الحروف ادخل في الكلام فاجمعوا الالفاظ الكثر ذروا في الكلام
منها الحروف فقام امر المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام خطب هذه الخطبة على البدر وسماها المرفعة قال
حدثت من عظمت منته وسبغت نعمته وسبقت غضبه رحمة وقت كلمته ونفذت
وبلغت حجتة وعدلت قضيتة حدثت حمة بغير بؤيته متخضع لعبوديته متقبل
من خطيئته معترف بتوحيدك موقل من رب رحمة تبيحه يوم تسبغ عن نصيبته و
وكسفينه ونسرتك ونسنتك وتؤمن به وتوكل عليه وشهدت له شهوة وخلصت
وقد تة بغير مؤمن متقين ووحدة توحيدك مدعي ليس شريك في ملكه ولو كان له
وأي في ضيعه جل عن مشير ووزير وعن عون معين ونصير علم فستر ووطن فخير وملك فقهر و
فغفر وحكم فعدك لم يزل ولن يزول ليس كشئ شئ وهو قبل كل شئ وبعد كل شئ رب متفرد
بعزة متمكن بقوية متقدس بعلو متكبر بسموه ليس يدرك بصر ولا يحيط به نظر قوي منبع
علم سميع بصير رؤوف رحيم عطوف عجز عن وصفه من يصفه وفضل عن كونه من يعرفه
قرب بعدد وبعد اقرب بغير دعوة من يدعوه ويرزقه ويحيوه ذو لطف خفي ركن
قوي ورحمة موسعة وعقوبة موجبة رحمة جنة عريضة مرفقة وعقوبة رجم
ممدودة بقعة وشهوات بيعت محمد عبده ودسوله وصفيه وخطيله وبنيه تبعته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال علي بن محمد بن أبي الحسن بن عبدالصمد التميمي السبزواري: حَدَّثَنَا
الشيخ الفقيه العالم الوالد قال: حَدَّثَنَا الشيخ الفقيه أبو الحسن علي بن عبدالصمد بن
محمد بن التميمي، والذي عليه السلام قال: حَدَّثَنَا السيد العالم أبو البركات علي بن الحسين
الجوري - قدس الله روحه - قال: حَدَّثَنَا الشيخ أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن
موسى بن بابويه القمي عليه السلام، عن محمد بن إبراهيم بن إسحاق، عن عبدالعزیز بن
يحيى الجلودي، عن محمد بن زكريا الجوهري، عن [جعفر بن] محمد بن عمارة،
عن أبيه، عن محمد بن السائب، عن الصادق، عن أبيه، عن جدّه علي بن الحسين، عن
الحسين، عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: اجتمع أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله فتذاكروا التي
أي الحروف أدخل في الكلام، فأجمعوا أن الألف أكثر دخولا في الكلام من سائر
الحروف. فقام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام فخطب هذه الخطبة على البديهة
وسماها «المونقة»، فقال - وهي المعجبة -:

حَمِدْتُ مِنْ عَظُمَتْ مِثَّتُهُ، وَسَبَّغَتْ نِعْمَتُهُ، وَسَبَقَتْ غَضَبَهُ رَحْمَتُهُ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُهُ،
وَنَفَذَتْ مَشِيئَتَهُ، وَبَلَغَتْ قَضِيَّتَهُ. حَمِدْتُ^١ قَضِيَّتَهُ. حَمِدْتُ^٢ مَقْرُرَ بَرَبِوَيْتِهِ، مَتَخَضَّعَ لِعِبُودِيَّتِهِ،
مَتَنَصَّلَ مِنْ خَطِيئَتِهِ، مَعْتَرِفَ بِتَوْحِيدِهِ، مُؤَمِّلَ مِنْ رَبِّهِ رَحْمَةً تُنَجِّيهِ يَوْمَ يُشْغَلُ عَنْ
فَصِيلَتِهِ وَبَيْنِهِ.

ونستعينه ونسترشده ونستهديه ونؤمن به ونتوكل عليه، وشهدت له شهوداً
مخلصين موقنين، وفرادته تفريداً مؤمنين متقين، ووحدته توحيداً عبداً مذلماً عن.

١. ع: + حَجَّتُهُ وَعَدَلَتْ.

٢. ع: حَمِدْتَهُ.

ليس له شريك في مُلكه، ولم يكن له ولي في صنعه. جلَّ عن مشيرٍ ووزيرٍ، وعن عونٍ مُعينٍ ونصيرٍ. عَلِمَ فَسْتَرَ، وَبَطَّنَ فَخَبَرَ، وَمَلَكَ فَفَقَهَرَ، وَغُصِي فَغَفَرَ، وَحَكَمَ فَعَدَلَ. لَمْ يَزَلْ وَلَنْ يَزُولَ. لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ. رَبُّ مَتَفَرِّدٌ بَعَزَّتْهُ، مَتَمَكَّنٌ بِقُوَّتِهِ، مَتَقَدَّسَ بَعْلَوُهُ، مَتَكَبَّرَ بِسُمُوِّهِ. لَيْسَ يَدْرِكُهُ بَصَرٌ، وَلَمْ يَحِطْ^١ بِهِ نَظْرٌ. قَوِيٌّ مُنِيعٌ، عَلِيمٌ سَمِيعٌ بِصِيرٌ رُوُوفٌ رَحِيمٌ عَطُوفٌ.

عَجَزَ عَنْ وَصْفِهِ مِنْ يَصْفُهُ، وَضَلَّ عَنْ نَعْتِهِ مَنْ يَعْرِفُهُ. قَرَّبَ فَبَعُدَ، وَبَعُدَ فَقَرَّبَ. يُجِيبُ دَعْوَةَ مَنْ يَدْعُوهُ وَيَرْزُقُهُ وَيَحْبُوهُ. ذُو لَطْفٍ خَفِيٍّ، وَبَطْنٍ قَوِيٍّ، وَرَحْمَةٍ مُوسِعَةٍ، وَعَقُوبَةٍ مُوجِعَةٍ. رَحْمَتُهُ جَنَّةٌ عَرِيضَةٌ مُونِقَةٌ وَعَقُوبَتُهُ جَحِيمٌ مَمْدُودَةٌ مُوبِقَةٌ.

وشهدت بيعث محمد عبده ورسوله وصفته وخليله ونبيه. بعثه في خير عصر وحين فترة وكفر؛ رحمة لعبيده ومئة لمريده. ختم^٢ به نبوته، ووضح^٣ به حجته، فوعظ ونصح وبلغ وكلدح. رؤوف بكل مؤمن، رحيم سخّي رضي ولي زكي. عليه رحمة وتسلم وبركة وتكريم من رب غفور رحيم قريب مجيب.

وَصَيَّنَّكُمْ - مَعَشَرَ مَنْ حَضَرَ نِي - بِوَصِيَّةِ رَبِّكُمْ، وَذَكَرْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ، فَعَلَيْكُمْ بِرَهْبَةٍ تُسَكِّنُ قُلُوبَكُمْ، وَخَشْيَةٍ تُذَرِّي دُمُوعَكُمْ، وَتَقِيَّةٍ تُنْجِيكُمْ قَبْلَ يَوْمٍ يُذْهِلُكُمْ وَيَبْلِيكُمْ، يَوْمَ يَفُوزُ فِيهِ مَنْ ثَقُلَ وَزْنُ حَسَنَتِهِ وَخَفَّ وَزْنُ سَيِّئَتِهِ.

ولتكن مسألتكم وتملقكم مسألة ذل وخضوع وشكر وخشوع وتوبة ونزوع وندم ورجوع، وليغتنم كل مغتنم منكم صحته قبل سقمه، وشيبته قبل هرمه، وسعته قبل فقره، وفرغته قبل شغله، وحضرته قبل سفره، قبل يكبر ويهرم ويمرض ويسقم ويمله طبيبه، ويعرض عنه حبيبه^٤، ويتغير عقله، ثم قيل: هو موعوك، وجسمه منهوك؛ ثم جدل في نزع شديد، وحضر كل قريب وبعيد، فشخص بصره، وطمح

١. ع: ولا يحيط.

٢. ع: - في خير عصر... ختم.

٣. ع: وضع.

٤. ع: + ويقطع عمره.

بنظره، ورشح جبینہ، وخطف عرنینہ، وسکن حنینہ، وجذبت نفسه، وبکت عرشہ،
 وخریر زمشہ، ویتم منه ولده، وتفترق عنه عدده، وقسم جمعہ، وذہب بصرہ وسمعه،
 ولقن ومُدد ووجہ وجرّد وغسّل وغرّی ونشّف وسحّی وبسط له وهیئ ونشر علیہ
 کفنه، وشدّ منه ذقته، وقمصّ وعمّم وودّع، وعلیه سلّم، وحمل فوق سریر، وصلي
 علیہ بتکبیر، وتقل من دور مزخرفة، وقصور مشیدة وحجر منجدة؛ فجعل في ضريح
 ملحود، ضيق موصود، بلبن منضود، مسقف بجلمود، وهيل علیہ حفره، وحثي علیہ
 مدرّه، فتحقق حذرّه، ونسي خبرّه، وزجّع عنه وليّه^١ ونديمه ونسيه، و^٢ تبدل به
 قرينه^٣ وحبينه، فهو حشو قبر ورهين قفر. يسعى في جسمه دود قبره، فيسيل صديده
 من منخره. يسحق ثوبه لحمه، وينشف دمه، ويرم عظمه، حتى يوم حشره.

فیشتر من قبره، وینفخ في صور، ویدعی بحشر ونشور^٤. فتم بعثرت قبور،
 وحصلت صدور، وجيء بكل نبي وصدیق وشهيد ونطيق، وحکم بفصل قدیر بعبیده
 خبیر بصیر. فکم من زفرة تفنيه وحسرة تفضيه، في موقف مهول ومشهد جليل، بين
 يدي ملك عظيم، بكل صغيرة وكبيرة عليم.

فحينئذ يلجمه عرقه، ويحفزه قلقة. عثرتة غير مرحومة، وصراخته غير
 مسموعة، وحثته غير مقبولة، وتول صحيفته، وتبين جريرته. نظر في سوء عمله،
 وشهدته عينه بنظره، ويده ببطشه، ورجله بخطوه، وفرجه بلمسه، وجلده بمسه.
 وتهدده^٥ منكر ونكير، وكشف له عن حيث يصير. فسلسل جيده، وغلل يده، وسيق
 يسحب وحده، فورّد جهنم بكرپ وشدة، فظلّ يعذب في جحيم، ويسقى شربة من
 حميم، تشوي وجهه، وتسليخ جلده، يضربه زينة بمقمع من حديد، ويعود جلده بعد

١. ع. + وصفته.

٢. جنگ مهدوی: -و.

٣. ع. قریه.

٤. حاشیة جنگ مهدوی: بخ بعدل.

٥. ع. یهدده.

نُضِجَ جَدِيدًا^١، يَسْتَعِيثُ فَيَعْرُضُ عَنْهُ حَزَنَةً جَهَنَّمَ، وَيَسْتَصْرِخُ فَيَلْبَثُ حِقْبَةً يَنْدَمُ.
نَعُوذُ بِرَبِّ قَدِيرٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَصِيرٍ، وَنَسْأَلُهُ عَفْوَ مَنْ رَضِيَ عَنْهُ، وَمَغْفِرَةَ مَنْ قَبِلَ
مِنْهُ؛ هُوَ وَلِيُّ مَسْأَلَتِي وَمُنْجِحُ طَلِبَتِي.

فَمَنْ زُخِرَ عَنْ تَعْدِيبِ رَبِّهِ، وَجُعِلَ جَنَّتَهُ بَقْرَبِهِ، وَخُلِدَ فِي قِصُورِ مُشِيدَةٍ، وَمُلِكَ
بِهِ حُورَ عَيْنٍ وَحَفْدَةَ، وَطِيفَ عَلَيْهِ بِكُؤُوسٍ، وَسُكِنَ حَظِيرَةَ فَرْدُوسٍ، وَتَقَلَّبَ فِي
نَعِيمٍ، وَسُقِيَ مِنْ تَسْنِيمٍ مِنْ عَيْنِ سَلْسَبِيلٍ، وَمُزِجَ لَهُ بَزَنْجَبِيلٍ مَخْتَمٍ بِمِسْكِ، وَعَبِيرٍ
مُسْتَدِيمٍ لِلْمَلِكِ، مُسْتَشْعِرٍ لِلسَّرُورِ. يَشْرَبُ مِنْ حُمُورٍ فِي رَوْضِ مَغْدِقٍ، وَلَيْسَ يَصْدَعُ
فِي شُرْبِهِ، وَلَيْسَ يُنْزَفُ. هَذِهِ مُنْقَلَبٌ مِنْ حَيْثِي رَبِّهِ، وَحَذَرٌ نَفْسِهِ؛ وَتِلْكَ عَقُوبَةُ مَنْ
عَصَى مُنْشِئَهُ، وَسَوَّلَتْ لَهُ نَفْسُهُ مَعْصِيَتَهُ. ذَلِكَ قَوْلُ فَضْلٍ وَحَكْمٌ عَدْلٌ. خَيْرَ قِصَصٍ
قُصِّ، وَوَعِظٍ نُصِّ، ﴿تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^٢، نَزَلَ بِهِ رُوحُ قَدِيسٍ مَبِينٍ، فِي قَلْبِ
نَبِيِّ مَهْتَدٍ رَشِيدٍ. صَلَّى عَلَيْهِ رُسُلٌ سَفَرَةٌ، مُكْرَمُونَ بَرَرَةٌ. عُدَّتْ بِرَبِّ رَحِيمٍ عَلِيمٍ، مِنْ
شَرِّ كُلِّ عَدُوٍّ لِعَيْنٍ رَجِيمٍ. يَتَضَرَّعُ مُتَضَرِّعُكُمْ، وَيَبْتَهِلُ مُبْتَهِلُكُمْ، فَسَسْتَعْفُوزُ رَبِّ كُلِّ
مَرْبُوبٍ لِي وَلَكُمْ.

ثُمَّ قَرَأَ ﴿٣٥﴾: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا
فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^٣.

تَمَّتِ الْخُطْبَةُ بِعَوْنِ اللَّهِ وَحُسْنِ تَوْفِيقِهِ.

١. حاشية جنگ مهدوی: خ بعد نضجه كجلد جديد.

٢. سورة فصلت، آية ٤٢.

٣. سورة قصص، آية ٨٣.

مصادر و مأخذ

- أعلام الدين في صفات المؤمنين، حسن بن أبي الحسن الديلمي، تحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ ق.
- أمل الأمل، محمد بن الحسن الحر العاملي، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، بغداد، مكتبة الأندلس، الطبعة الأولى، ١٣٨٥ ق.
- بحار الآثار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر المجلسي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثالثة، ١٤٠٣ ق.
- بشارة المصطفى لشيعته المرتضى، عماد الدين محمد بن أبي القاسم الطبري، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى، ١٤٢٠ ق.
- التوحيد، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه - صدوق، تصحيح وتعليق: السيد هاشم الحسيني الطهراني، قم، منشورات جامعة المدرسين في الحوزة العلمية، ١٣٩٨ ق.
- جنگ مهدي، چاپ عكسي، زير نظر دكتور نصرالله پور جوادي، تهران، مركز نشر دانشگاهي، ١٣٨٠.
- خاتمة مستدرک الوسائل، الشيخ حسين النوري الطبرسي، تحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤١٦ ق.
- الخرائج والبرائج، قطب الدين الراوندي، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي، قم، مؤسسة الإمام المهدي، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ ق.
- رجال الطوسي، محمد بن الحسن الطوسي، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى، ١٤١٥ ق.

رجال النجاشي، أحمد بن علي بن أحمد النجاشي الأسدي الكوفي، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الرابعة، ١٤١٣ ق.
رياض العلماء وحياض الفضلاء، الميرزا عبدالله أفندي الأصبهاني، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، قم، مكتبة آية الله المرعشي، الطبعة الأولى، ١٤٠١ ق.
شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت، دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثانية، ١٣٨٧ ق.
علل الشرائع، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه - صدوق، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ ق.

الصرط المستقيم إلى مستحق بالتقديم، علي بن يونس العاملي النباطي البياضي، تصحيح وتعليق: محمد الباقر البهبودي، تهران، المكتبة المرتضوية، الطبعة الأولى، ١٣٨٤ ق.

الفهرست، محمد بن الحسن الطوسي، تحقيق: مؤسسة نشر الفقاهة، قم، مؤسسة النشر الفقاهة، الطبعة الأولى، ١٤١٧ ق.

الفهرست، منتجب الدين علي بن بابويه الرازي، تحقيق: دكتور سيد جلال الدين محدث ارموي، به كوشش: محمد سامي حائري، قم، كتاب خانة آيت الله العظمى مرعشي نجفي، چاپ اول، ١٣٦٦.

قصص الأئمة، قطب الدين راوندي، تحقيق: غلامرضا عرفانيان يزدي، بيروت، مؤسسة المفيد، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ ق.

كفاية الطالب في مناقب علي بن أبي طالب، محمد بن يوسف القرشي الشافعي، تحقيق و تصحيح وتعليق: محمد هادي الأميني، نجف، المطبعة الحيدرية، الطبعة الثانية، ١٣٩٠ ق.

كمال الدين وتام النعمة، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه - صدوق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٥ ق.

كنز العمال في سنين الأفعال والأفعال، علي المتقي الهندي، تحقيق: الشيخ بكري حياني -

الشيخ صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.

المصباح في الأدعية والصلوات والزيارات، إبراهيم بن علي بن الحسن بن محمد العاملي الكفعمي، تصحيح وإشراف: الشيخ حسين الأعلمي، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، الطبعة الأولى، ١٤١٤ق.

مطالب السؤل في مناقب آل الرسول، محمد بن طلحة القرشي الشافعي، إشراف: السيد عبدالعزيز الطباطبائي، بيروت، مؤسسة البلاغ، الطبعة الأولى، ١٤١٩ق.

معاني الأخبار، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه - صدوق، تصحيح: علي أكبر الغفاري، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى، ١٣٤١.

مناقب آل أبي طالب، محمد بن علي بن شهر آشوب السروي المازندراني، تحقيق: د. يوسف البقاعي، بيروت، دار الأضواء، الطبعة الثانية، ١٤١٢ق.

الناس في القرن الخامس (طبقات أعلام الشيعة - قرن ٥)، الشيخ آغا بزرك الطهراني، تحقيق: علي نقوي منزوي، بيروت، دارالكتب العربي، الطبعة الأولى، ١٣٩١ق.

نسخه های خطی، جلد دوم، محمد تقی دانش پزوه - ایرج افشار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ١٣٤١.

نهج الإيمان، علي بن يوسف بن جبر، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، مشهد، مجتمع امام هادي، الطبعة الأولى، ١٤١٨ق.

نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغة، محمد باقر المحمودي، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة الأولى، ١٣٩٦ق.